



QURANIC REDEFINITION OF THE SOCIAL SECURITY SYSTEM AND ITS EFFECTS*

Mahdi Abdollahipour ¹

Sayyed Mohammad Naqib ²

Ali Ghazanfari ³

Ali Zohrab ⁴

ABSTRACT

Social security is an issue that has been considered in many countries, especially in countries with a welfare state approach, and has been defined in accordance with the political thinking of the ruling system. However, common value of the concept and definition of social security institutions as the governmental organizations, providing economic and insurance aspects and livelihood support for individuals in society. It seems that restricting the concept of social security and defining it in such a way that it is limited to the organizational goals that stem from its origin, i.e. the secular view of the West about people, is subject to criticism. So, a new concept and definition can be expressed for it according to the Quranic culture and teachings.

This research, with a descriptive-analytical method, redefines the social security system according to the teachings of the Holy Quran and specifically seeks to answer the question of what is the redefinition of the social security system with the Quranic approach to human needs and what are the effects on this redefinition; Given the comprehensiveness of the anthropology of the Qur'an and its expression of past, present and future of man, as well as the expression of weaknesses, concerns and factors of human dignity, security and peace, the social security system based on the Qur'anic approach includes a wide range of material and spiritual human needs for the purpose of providing his security and peace in this world and the hereafter.

Keywords: social security ‘Social Security System ‘Holy Quran ‘Quranic Redefining.

*. **Date of receiving:** 26 February 2020, **Date of approval:** 22 November 2020.

1. Assistant Professor of University of Holy Quran Sciences & Education, Qom: abdollahipour@yahoo.com.

2. Assistant Professor of University of Holy Quran Sciences & Education, Qom: amin200057@yahoo.com.

3. Assistant Professor of University of Holy Quran Sciences & Education, Qom: ali@qazanfari.net.

4. PhD Student in Comparative Interpretation, / Assistant Professor of University of Holy Quran Sciences & Education, Qom (Corresponding Author): mihan54@mihanmail.ir.



بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی و بررسی آثار آن*

مهدي عبداللهی پور^۱ و سيدمحمد نقيب^۲ و علي غضنفری^۳ و علي زهراب^۴

چکیده

تأمین اجتماعی، موضوعی است که در بسیاری از کشورها، به ویژه در کشورهایی با رویکرد حاکمیت دولت رفاه، مورد توجه قرار گرفته و فراخور اندیشه سیاسی نظام حاکم تعریف شده است. با این همه، قدر مشترک مفهوم و تعریف نهادهای تأمین اجتماعی به عنوان سازمان‌هایی دولتی، تأمین جنبه‌های اقتصادی و بیمه‌ای و حمایت معیشتی افراد جامعه است. به نظر می‌رسد، محدود نمودن مفهوم و تعریف تأمین اجتماعی، تنها در اهداف سازمانی که برآمده از خاستگاه آن، یعنی نگاه سکولار غرب به انسان است، قابل نقد بوده و می‌توان با توجه به فرهنگ و آموزه‌های قرآنی، مفهوم و در نتیجه تعریفی جدید برای آن بیان نمود. این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی، به بازتعریف نظام تأمین اجتماعی، با توجه به آموزه‌های قرآن کریم می‌پردازد و مشخصاً به دنبال پاسخ به این پرسش است که بازتعریف نظام تأمین اجتماعی با رویکرد قرآنی به نیازهای انسان چیست و چه آثاری بر این بازتعریف مترتب است؟ با توجه به جامعیت انسان‌شناسی قرآن و بیان گذشته، حال و آینده او و نیز بیان ضعف‌ها، نگرانی‌ها و عوامل کرامت، امنیت و آرامش انسان، نظام تأمین اجتماعی با رویکرد قرآنی، گستره وسیعی از نیازهای مادی و معنوی انسان، با هدف تأمین کرامت، امنیت و آرامش دنیوی و اخروی او را شامل می‌شود.

واژگان کلیدی: تأمین اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی، قرآن کریم، بازتعریف قرآنی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۷ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم: abdollahipour@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم: amin200057@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم: ali@qazanfari.net

۴. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم (نویسنده مسئول): mihan54@mihanmail.ir



مقدمه

در مبانی تفسیر، قرآن کریم، کتابی جامع، جهانی و جاودانه معرفی شده است (ر.ک: جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۱۳۸۱: ۲۷۵). این صفات قرآن، ذهن را به کشف نظام‌های اجتماعی قرآن مدار و یا نقد و اصلاح مفهوم، تعریف و هدف نظام‌های اجتماعی وارداتی بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم ترغیب می‌کند. از سوی دیگر و در دوران معاصر، مفاهیم و اصطلاحات فراوانی توسط متصدیان امور جوامع انسانی و عمدتاً با نگاه غربی سکولار به انسان، مطرح شده که بیان‌کننده یک نظام، الگو و یا فعالیت سازمانی و متشکل است. یکی از این اصطلاحات، «تأمین اجتماعی» است. در نخستین برخورد با این اصطلاح، آنچه به ذهن متبادر می‌شود، مفهوم گسترده‌ای از تأمین نیازها و حقوق انسان اجتماعی در بستر اجتماع است؛ اما با مراجعه به تعریف سازمانی تأمین اجتماعی، با مفهومی محدود به حوزه‌های اقتصادی، معیشتی و بیمه‌ای مواجه خواهیم شد. از طرف دیگر، تشکیل اصطلاح تأمین اجتماعی از دو واژه «تأمین» و «اجتماعی»، دریافت مفهوم آن را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. مراد از تأمین اجتماعی چیست؟ آیا مراد تأمین نیازهای معیشتی انسان در بستر جامعه است و یا اینکه تأمین نیازها توسط جامعه؟ وانگهی، چرا تأمین نیازهای معیشتی، با تأمین اجتماعی و نه «تأمین اقتصادی» و یا «تأمین معیشتی» عنوان شده است؟ چگونه است که در این اصطلاح از واژه اجتماع استفاده شده، ولی از عقاید، اخلاق و فرهنگ اجتماع غفلت شده است؟ با این مقدمه، پرسشی که مطرح است، این است که آیا نمی‌توان با استفاده از ظرفیت معارف و آموزه‌های جامع قرآن کریم، تعریفی جدید از نظام تأمین اجتماعی ارائه داد و چرا باید این اصطلاح ارجمند، تنها محدود به تأمین جنبه‌های اقتصادی باشد؟ هدف از بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی، تخطئه مفهوم و تعریف سازمانی آن نیست؛ زیرا روشن است که با توجه به اینکه این اصطلاح، اصطلاحی معاصر و برآمده از تفکری سازمانی و با اهدافی مشخص و محدود، آن‌هم در بستر جوامع غربی است؛ دارای مفهوم و تعریفی محدود به اهداف سازمانی نیز باشد؛ بلکه هدف، نگاهی گسترده به حوزه تأمین اجتماعی است. به این معنا که به نظر می‌رسد، تأمین اجتماعی نمی‌تواند تنها محدود به مفهوم سازمانی آن باشد و تأمین نیازهای عقیدتی، اخلاقی و معنوی انسان نیز می‌تواند و یا باید در تعریف آن لحاظ گردد؛ هرچند که تأمین معیشت، در هر صورت، یکی از مهم‌ترین جنبه‌ها و حوزه‌های تأمین اجتماعی است.



۱. پیشینه پژوهش

در حوزه تأمین اجتماعی با رویکرد قرآنی، پژوهش‌های درخوری صورت گرفته است؛ ولی محور همگی این پژوهش‌ها، مفهوم و تعریف سازمانی تأمین اجتماعی (تأمین نیازهای معیشتی) بوده است. در تحقیقات صورت گرفته، قرآن کریم یا با رویکرد کشف آنچه با مفهوم سازمانی تأمین اجتماعی در ارتباط است، مورد بررسی قرار گرفته است و یا الگوهای قرآنی برای مفهوم سازمانی تأمین اجتماعی، ترسیم گردیده است. از مطالعات درخور توجه در این زمینه می‌توان به کتاب «الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب»، نوشته سید رضا حسینی (۱۳۹۴) اشاره نمود. ایشان در فصل ششم کتاب که بنا بر اظهار خود در صفحه سوم، مهم‌ترین فصل تحقیق است و با عنوان «الگوی مطلوب تأمین اجتماعی با نگرش اسلامی» با اینکه عقیده دارد:

«برنامه تأمین اجتماعی اسلام، تمامی نیازهای دنیوی و اخروی و مادی و معنوی افراد از جمله نیازهای معیشتی، عبادی، تربیتی و عاطفی، فرهنگی و علمی و... را شامل می‌شود» (حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۹۴: ۲۵۱).

ولی پژوهش خود را به نیازهای معیشتی، محدود نموده است:

«اما از آنجاکه آنچه امروزه در نظام‌های تأمین اجتماعی مطرح است، غالباً محدود به نیازهای معیشتی است، بحث ما نیز در این قسمت محدود به همین جنبه از تأمین اجتماعی اسلامی خواهد بود» (همان: ۲۵۱-۲۵۲).

پژوهش دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود، کتاب «اسلام و تأمین اجتماعی (مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی)»، نوشته: احمد قابل (۱۳۸۳) است. در این کتاب نیز، به تأمین اجتماعی از منظر مفهوم و تعریف رایج و سازمانی آن نگاه شده و به محدوده نیازهای معیشتی و حوزه بیمه‌ای کفایت شده است (قابل، اسلام و تأمین اجتماعی ۱۳۸۳: ۲).

در پژوهش‌های دیگر همچون کتاب «پژوهشی در نظام حمایتی اسلام»، نوشته احمد حامد مقدم (۱۳۶۸) و «بهبودی و تأمین اجتماعی در اسلام»، اثر مالک محمودی و ابراهیم بهادری (۱۳۸۹) و سایر مطالعات در دسترس نیز، همین نگاه، مدنظر بوده است. همچنین در آثاری با عنوان تکافل و تضامن اجتماعی، مطالعاتی با همین رویکرد صورت گرفته است؛ مانند «التکافل الاجتماعي فی الاسلام و ابرز صورته»، از عاقلی فضیله (۲۰۱۵ م)، و یا کتاب «التکافل الاجتماعي فی الاسلام»، اثر محمد ابوزهرة (۱۹۹۱ م) در مصر. دسته دیگر از مطالعاتی که با مفهوم سازمانی تأمین اجتماعی در ارتباط است، مطالعات غیرمستقیم و واسطه‌ای است. برای نمونه کتاب «فقه السياسة المالية فی



الاسلام»، نوشته معن خالد القضاہ (۲۰۰۷ م)؛ «السلوک الاجتماعي فی الاسلام»، نوشته حسن ایوب (۲۰۰۶ م)؛ «اقتصادنا»، تألیف شهید صدر (۱۴۰۲ ق: ۶۹۷-۷۰۵)؛ «نظری به نظام اقتصادی اسلام»، از آثار شهید مرتضی مطهری، (۱۳۷۴)؛ «بررسی وضع مالی و مالیہ مسلمین»، اثر ابوالقاسم اجتهادی (۱۳۶۳) و «سیاست‌های اقتصادی در اسلام»، از سعید فراهانی فرد (۱۳۸۶) از این جمله‌اند. در این‌گونه پژوهش‌ها، به‌واسطه بحث درباره حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، ورودی نیز به حوزه تأمین اجتماعی شده است. در همه این پژوهش‌ها، آنچه مورد توجه قرار گرفته است، مفهوم و تعریف سازمانی تأمین اجتماعی است؛ حال آنکه در پژوهش حاضر، به مفهوم و تعریفی نو از نظام تأمین اجتماعی با توجه به آموزه‌های قرآن کریم پرداخته می‌شود.

۲. رویکرد نظری به نظام‌های قرآنی

اینکه نظام‌های قرآنی، از جمله نظام قرآنی تأمین اجتماعی، اساساً به چه معناست و اهداف و مبانی آن دقیقاً چیست، نیازمند پژوهشی مستقل و عمیق است و البته تلاش‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است (ر.ک: بابایی مجرد و عبدالحسین زاده، نظام‌سازی قرآن بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی، ۱۳۹۷: ۲۹-۴۴؛ پورسیدآقایی، دین و نظام‌سازی، ۱۳۸۹: ۸۵-۹۸)؛ ولی آنچه در این پژوهش از نظام قرآنی، مورد نظر است، طرح مجموعه‌ای از معارف قرآن کریم و بیان انسجام و هدفمندی آن در موضوعی خاص است؛ به این معنا که آموزه‌های قرآن کریم به‌عنوان مجموعه‌ای منسجم و در ارتباطی معنادار، به‌سوی هدفی مشخص، در حرکت‌اند؛ به‌گونه‌ای که اختلاف، تعارض و تناقضی وجود نداشته و همه عناصر، تقویت‌کننده یکدیگر و پیشرو، و برآیند همه تلاش‌ها و نیروها، در راستای رسیدن به هدف تعریف شده است. با این نگاه، مفهوم، تعریف، اهداف، مبانی، عناصر تشکیل‌دهنده، گستره و راهکارهای عملیاتی یک نظام، برگرفته از معارف جامع و منسجم قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت انسان و جامعه خواهد بود.

۳. معنانشاسی واژگان تأمین اجتماعی

پیش از ورود به مفهوم و تعریف تأمین اجتماعی، معنانشاسی دو واژه «تأمین» و «اجتماعی» ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا معنانشاسی این دو واژه، به درک بهتر ظرفیت معنایی ترکیب وصفی تأمین اجتماعی کمک خواهد کرد.

یک. تأمین

تأمین از ریشه (آمن) و مصدر باب تفعیل است. با توجه به معنای باب تفعیل، تأمین به معنای امن نمودن، بی بیم کردن، حفظ و نگهداری است. امن، ضد خوف و ترس و امانت نقیض خیانت است که باعث سکون و آرامش خاطر خواهد شد. معنای دیگری که برای این واژه ذکر شده، تصدیق است که البته از معنای نخست به هیچ وجه بیگانه نیست؛ زیرا لازمه تصدیق و اعتقاد به امری، سکون و آرامش خاطر نسبت به آن است (ر.ک: فراهیدی، ترتیب کتاب العین، ۱۴۱۴ ق: ۱۰۸: ۱؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۹۶۹ م: ۱/۱۳۳؛ دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۳: ۴/۵۵۳۸؛ معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۶۳: ۱/۱۰۱۷). بنابراین، هنگامی که سخن از تأمین موضوعی مطرح می شود، مراد، آسوده خاطری و اطمینان و در نتیجه احساس امنیت و عدم نگرانی در رابطه با فراهم شدن و تحقق آن موضوع است.

دو. اجتماعی

اجتماع، از ریشه (جمع) و مصدر باب افتعال است. معنای اصلی ریشه این واژه که در مشتقات آن ساری و جاری است، ضمیمه شدن و به هم پیوستن دو یا چند چیز و امر است. بر این اساس، اجتماع به معنای گرد آمدن و به هم پیوستن است (ر.ک: فراهیدی، ترتیب کتاب العین، ۱۴۱۴ ق: ۱/۳۱۳؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۹۶۹ م: ۱/۴۷۹؛ دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۳: ۱/۸۷۹؛ معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۶۳: ۱/۱۴۶). اضافه شدن یای نسبت به این واژه، نشانگر امر و موضوعی گروهی، پیوسته و در ارتباط با جمع است. در بسیاری از متون علوم انسانی، اجتماع و جامعه در ارتباطی ناگسستنی از هم مطرح و گاه حتی، مرادف هم تلقی شده اند. برای نمونه، دانش اجتماعی و جامعه شناسی به هیچ وجه قابل تفکیک از هم نیست و در سراسر متون این دو حوزه، واژه جامعه و اجتماع، حتی به یک معنا مورد استفاده قرار گرفته شده است. برای مثال، در مبانی جامعه شناسی و در بحث از وظایف یا کارکردهای جامعه، از نظام نظارت اجتماعی و همنوایی اجتماعی، بحث می شود (ن.ک: وثوقی، مبانی جامعه شناسی، ۱۳۷۶: ۳-۴). هر چند که در تعریف اجتماع و جامعه، نظرات گوناگونی وجود دارد و در فلسفه علوم اجتماعی و جامعه شناسی، بین اجتماع و جامعه، تفاوت معناداری دیده می شود. برای نمونه، «فردیناند تونیس» جامعه شناس آلمانی، بین اجتماع (community) و جامعه (society) تمایزاتی قائل شده است. وی اجتماع را همزیستی صمیمانه، خصوصی و انحصاری تعریف کرده و به عنوان نمونه خانواده، گروه های خویشاوندی، همسایگان و گروه های دوستی را نام برده است. در مقابل، جامعه را زندگی عمومی و یا زندگی که مردم آگاهانه و دانسته و به ویژه با محوریت منافع اقتصادی در آن وارد می شوند، تعریف کرده است؛ همچون شهرهای صنعتی و کلیه محافل و گروه هایی که نیازهای مادی، افراد را به یکدیگر می پیوندد (ر.ک: همان: ۵-۶؛ شاکرین، هستی شناسی جامعه، ۱۳۹۰: ۲۰-۳۵).



۴. مفهوم سازمانی تأمین اجتماعی

اصطلاح تأمین اجتماعی یک ترکیب وصفی است؛ به این معنا که ما با تأمین روبرو هستیم که به خود وصف اجتماعی گرفته است. معادل این اصطلاح در زبان عربی (الضمان الاجتماعي) و در زبان انگلیسی (social security) است. در مفهوم سازمانی این اصطلاح که در سده اخیر رایج شده است (ر.ک: حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۹۴: ۲۵)، اجماعی وجود ندارد و در مکتب‌های گوناگون فکری، مفهوم متفاوتی از آن ارائه شده است. برخی آن را سازوکاری صرفاً اقتصادی می‌دانند که متکفل پشتیبانی و فراهم آوردن نیازهای اقتصادی است؛ و برخی دیگر آن را متکفل تأمین امنیت غیراقتصادی، از جمله امنیت فکری و عاطفی نیز دانسته‌اند. حتی گاه برای تأمین اجتماعی، معنا و مفهومی موسع و مضیق در نظر گرفته‌اند؛ با این بیان که آن را در مفهوم وسیع خود مجموعه‌ای از سیاست‌ها و سازوکارهای عملیاتی برای حمایت از آسیب دیدگان و مددجویان دانسته‌اند و در مقابل، در مفهوم محدود، آن را به مفهوم بیمه‌ای تعریف کرده‌اند (ر.ک: اخوان بهبهانی، اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی، ۱۳۹۶: ۱۷؛ آراسته‌خو، تأمین و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱: ۳؛ میرزایی، مبانی مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۴: ۱۶). همچنین، سازمان بین‌المللی کار^[۱] (ILO) و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی^[۲] (ISSA) صلح پایدار را منوط به عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی را منوط به تأمین اجتماعی دانسته است (ر.ک: پناهی، اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی، ۱۳۷۶: ۷۲).

پس از جنگ جهانی دوم (اول سپتامبر ۱۹۳۹ - دوم سپتامبر ۱۹۴۵ م)، دوره جدیدی از مفهوم تأمین اجتماعی با ویژگی‌های خاص پدید آمد. در این دوره، حقوق تأمین اجتماعی با اشتغال بیمه شده مرتبط شد و کسب درآمد به‌عنوان پیش شرط استفاده از مزایای بیمه مطرح گردید (ر.ک: آراسته‌خو، تأمین و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱: ۱۲۱) و از طرفی دیگر مسئله تأمین نیاز هر فرد از اجتماع بر اساس همبستگی طبیعی بین افراد جامعه مورد توجه دولت‌ها قرار گرفت و هدف تأمین اجتماعی، تضمین حداقل نیاز معیشتی افراد جامعه (شامل مسکن، بهداشت، خوراک، پوشاک و...) و حمایت از افرادی شد که بر جامعه حق کار و تولید داشتند (ر.ک: موسوی و محمدی، مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، ۱۳۸۸: ۱۷). تدریجاً تأمین اجتماعی جایگزین «بیمه‌های اجتماعی» و در نهایت به مفهوم تکامل یافته‌تری از «رفاه اجتماعی» نزدیک شد (ر.ک: حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۹۴: ۲۶). بنا بر آنچه ذکر شد، هرچند تأمین اجتماعی در کشورهای گوناگون، دارای مفاهیم گوناگونی است (ر.ک: موسوی و محمدی، مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، ۱۳۸۸: ۶۳)، با وجود این، مفهوم اصلی اصطلاح تأمین اجتماعی در معنای سازمانی آن، بر محوریت حمایت و امنیت مالی و معیشتی، با سازوکار عمدتاً بیمه‌ای افراد جامعه است.

۵. تعریف سازمانی تأمین اجتماعی

در تعریف تأمین اجتماعی نیز همچون مفهوم آن اجماعی وجود ندارد (ر.ک: اخوان بهبهانی، اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی، ۱۳۹۶: ۱۷؛ آراسته‌خو، تأمین و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱: ۳؛ میرزایی، مبانی مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۴: ۱۶؛ حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۹۴: ۲۷). در تعریفی که از دید برخی جامع و پذیرفته است، تأمین اجتماعی چنین تعریف شده است: «حمایتی است که جامعه به اعضاء خود از طریق یک سلسله اقدامات عمومی در مقابل فشارهای اقتصادی و اجتماعی که از قطع و یا کاهش قابل توجه درآمد ناشی از بیماری، حوادث شغلی، بیکاری، ازکارافتادگی، سالمندی، مرگ و مراقبت‌های درمانی برای خانواده و فرزندان ارائه می‌کند» (اخوان بهبهانی، اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی، ۱۳۹۶: ۲۰؛ نیز ر.ک: حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۹۴: ۲۵۲).

مقاله نامه ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار، تأمین اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است: «تأمین اجتماعی، به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، ازکارافتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد» (همان؛ القضاة، فقه السياسة المالية فی الاسلام، ۲۰۰۷ م: ۱۲۲-۱۲۳).

در تعریفی دیگر، تأمین اجتماعی چنین معرفی شده است:

«تأمین اجتماعی، به مجموعه اقداماتی که به منظور حمایت و تحت پوشش قرار دادن جمعیتی یا گروه‌هایی از افراد جامعه که به نوعی در معرض آسیب‌پذیری یا در مقابل مخاطرات اجتماعی یا حیواناً احتمالی قرار می‌گیرند، اطلاق می‌شود» (آراسته‌خو، تأمین و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱: ۲).

محور همه تعاریف فوق، حمایت و پوشش مالی و بیمه‌ای افراد آسیب‌پذیر جامعه است، به این ترتیب که هر فرد، در صورت عدم توانایی بر تأمین حداقل معیشت، مورد حمایت قرار خواهد گرفت. با توجه به ابهامات موجود در تعریف سازمانی تأمین اجتماعی، به نظر می‌رسد از طرفی هرچند تعریف و مفهوم تأمین اجتماعی، در نظام سازمانی آن، با حوزه بسیار حساس و حیاتی تأمین مالی و اقتصادی گره خورده است، ولی این مطلب نباید مفهوم آن را محدود به حوزه سازمانی کند و از طرف دیگر می‌توان با توجه به تعاریف سازمانی موجود و اهداف برآمده از آن، تعریفی جدید از نظام سازمانی تأمین اجتماعی ارائه داد.



۶. نقد تعریف سازمانی تأمین اجتماعی

همان‌گونه که گذشت، در تعریف تأمین اجتماعی، به پریشانی‌های اجتماعی در کنار پریشانی‌های اقتصادی اشاره شده و هر دو را پدید آمده به واسطه کمبودها، ضعف‌ها و محرومیت‌های مالی و مادی دانسته است. پرسش اینجاست که مراد از پریشانی‌های اجتماعی چیست و معیار و مبنای تشخیص آن و نیز مسبب آن کدام است؟ آیا همه پریشانی‌های اجتماعی، ناشی از مواردی است که در تعریف ذکر شده است؟ آیا اگر پریشانی اجتماعی حاصل در فرد و جامعه، ناشی از مواردی غیر از آنچه در این تعریف از تأمین اجتماعی ذکر شده باشد، تأمین اجتماعی متکفل آن نیست؟ اساساً پریشانی‌های اجتماعی چه ارتباطی با عقاید، باورها، اخلاق و تعلیم و تربیت انسان اجتماعی دارد؟ اگر عقیده نادرست، باور اشتباه، اخلاق ناپسند و تعلیم و تربیت نامطلوب، موجب پریشانی اجتماعی فرد شود، کدام نهاد اجتماعی پاسخ‌گوی آن خواهد بود و اصولاً این موارد در کدام نظام و بستر اجتماعی تأمین می‌شود؟ فشارهای اقتصادی، برای همه قابل فهم و درک است؛ ولی مراد از فشارهای اجتماعی چیست و معیار و مبنای تعیین مصداق آن کدام است؟ در تعریف «آراسته‌خو» نیز، هرچند که دایره شمول تأمین اجتماعی کمی گسترده‌تر لحاظ شده است، ولی باز دارای ابهام است و چهره‌ای روشن از تأمین اجتماعی را نمایان نمی‌سازد. با توجه به ابهامات موجود در تعریف سازمانی تأمین اجتماعی و پرسش‌های ذکر شده، به نظر می‌رسد، هرچند تعریف و مفهوم تأمین اجتماعی، در نظام سازمانی آن، با حوزه بسیار حساس و حیاتی تأمین مالی و اقتصادی گره‌خورده است، ولی این مطلب به هیچ‌وجه نباید مفهوم تأمین اجتماعی را محدود به حوزه سازمانی آن کند و مانع از ارائه تعریفی جز تعریف سازمانی برای آن گردد.

۷. بازتعریف سازمانی تأمین اجتماعی

با توجه به آنچه گذشت، تعریفی جدید از تأمین اجتماعی با رویکرد سازمانی به‌عنوان بستری برای رفع نیازهای معیشتی انسان اجتماعی ارائه می‌گردد:

«تأمین اجتماعی، فراهم شدن باکرامت امنیت و آرامش معیشتی افرادی است که به هر دلیل معقول و مقبولی، از جمله بیماری، حوادث شغلی، بیکاری، ازکارافتادگی، سالمندی، مراقبت‌های درمانی و مرگ سرپرست، فاقد توانایی لازم برای تأمین حداقل معاش هستند.»

این تعریف دارای سه ویژگی اساسی است:

یکم: حفظ عزت و کرامت انسان: انسان اجتماعی، به دنبال عزت و کرامت است و هر برخورد و رفتاری را که از عزت و کرامت او بکاهد و آن را مخدوش کند، پذیرا نخواهد بود؛ اگر در ظاهر و از سر اجبار نیز آن را بپذیرد، در باطن، از آن بیزار است و تداوم آن، باعث ایجاد آسیب‌هایی جدی خواهد شد (ر.ک: شاملو، بهداشت روانی، ۱۳۷۸: ۹۱؛ سالاری‌فر و همکاران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۳۲ و ۱۵۴؛ کاویانی، روان‌شناسی در قرآن، مفاهیم و آموزه‌ها، ۱۳۹۶: ۲۳۰؛ نصری، انسان از دیدگاه اسلام، ۱۳۷۷: ۲۴-۳۲). از این رو، همه سازمان‌ها و نهادهای حمایتی و تأمینی، باید حفظ کرامت و عزت افراد مورد حمایت خود را در رأس همه سیاست‌ها و برنامه‌های خود قرار دهند.

دوم: تأمین حداقلی: از آنجاکه منابع مالی نهادها و سازمان‌های حمایتی و تأمینی محدود است، کمترین انتظار از نهادها و سازمان‌های حمایتی، تأمین حداقلی نیازهای معیشتی افراد تحت حمایت خواهد بود. آری، پس از تأمین حداقلی، حرکت به سوی تأمین حداکثری، قطعاً مطلوب خواهد بود. سوم: دلیل معقول و مقبول: تنها ملاک زیرپوشش قرار گرفتن افراد، دلیل معقول و مقبول است؛ بنابراین، حمایت از افرادی که دارای شرایط تأمین حداقلی خود هستند و خودخواسته از آن سرباز می‌زنند، نه دارای توجیه منطقی و معقول است و نه اساساً از وظایف نهادهای تأمین اجتماعی. وانگهی، پوشش این افراد، در حقیقت، اجحاف به افرادی است که حقیقتاً نیازمند حمایت هستند؛ زیرا با این سیاست، هم تأمین حداقلی افراد مستحق دچار آسیب خواهد شد و هم رسیدن به تأمین حداکثری، هدفی دست‌نیافتنی خواهد بود.

بر اساس این تعریف:

«نظام سازمانی تأمین اجتماعی، کلیه اندیشه‌ها، سیاست‌ها، نقشه‌ها و فعالیت‌ها برای رسیدن به اهداف برآمده از تعریف و مفهوم سازمانی تأمین اجتماعی است.»

تعریف ارائه شده از نظام سازمانی تأمین اجتماعی، ناظر بر بازتعریف سازمانی تأمین اجتماعی است؛ به این معنا که در نظام یا «سیستم» مجموعه‌ای منسجم و در ارتباطی معنادار، به سوی هدفی مشخص، در حرکت خواهد بود و برآیند همه تلاش‌ها و نیروها، در راستای رسیدن به هدف تعریف شده است (ر.ک: کی هیچنز، اندیشه کاربرد سیستمی، ۱۳۷۶: ۱۸).



۸. رویکرد قرآنی به نظام تأمین اجتماعی

تأمین نیازهای معیشتی، هدف واسطه‌ای تأمین اجتماعی در مفهوم و تعریف سازمانی آن است؛ به این معنا که به واسطه این هدف، هدف نهایی، یعنی، امنیت و درنهایت آرامش انسان مدنظر است: «تأمین اجتماعی، عاملی برای رشد و تعالی شخصیت فردی؛ طبق این نظریه، دفاع از افراد در برابر ریسک‌های اجتماعی و تضمین امنیت اقتصادی آن‌ها، نمی‌تواند مبنا و هدف تأمین اجتماعی قرار گیرد، بلکه هدف جامعه در اعمال حمایت‌های تأمین اجتماعی، بالاتر از تأمین اقتصادی افراد است؛ زیرا جامعه حفظ امنیت اقتصادی افراد را به‌عنوان راهی برای رسیدن به هدفی والاتر که همان شکوفایی رشد و تعالی شخصیت انسانی است، در پیش گرفته است... این نظریه از نظر آرمانی و انسانی قابل قبول‌تر است» (ن.ک: اخوان بهبهانی، اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۴).

هرچند این نظریه در رابطه با هدف تأمین اجتماعی، حتی در مفهوم و تعریف سازمانی آن، با کلیات معارف هدایت‌گر قرآن کریم سازگاری فراوان دارد؛ ولی در هر صورت آنچه به‌عنوان هدف در مفهوم و تعریف رایج از تأمین اجتماعی مطرح است، تنها تأمین اقتصادی افراد جامعه است که از دیدگاه قرآن کریم اهدافی میانی و فاقد اصالت بوده و ابزار وصول به اهدافی اصلی‌تر و متعالی‌تر هستند. دیگر این که شکوفایی رشد و تعالی شخصیت کدام انسان و با کدام رویکرد باید تأمین شود؟ قابل انکار نیست که تأمین اجتماعی و نظام ناظر بر آن در مفهوم رایج و شایع و امروزی، دارای خاستگاه سکولار و برآمده از عمق نظام سرمایه‌داری لیبرال و حذف خداوند در دو حوزه تکوین و تشریح است و توقعی بیشتر از محدود شدن آن به تأمین نیازهای طبیعی و لذت محور نیست. پس از گذشت نزدیک به یک سده از تاریخچه تأمین اجتماعی معاصر، همچنان نظام تأمین اجتماعی با ابهامات و چالش‌های فراوانی در مفهوم، تعریف، اهداف، مبانی و راهکارهای عملیاتی مواجه است تا جایی که در بیشتر کشورهای اروپایی که مدعی تأمین اجتماعی و دولت‌های رفاه هستند، اعتراض‌های فراوانی به‌ویژه از سوی تشکل‌های کارگری و احزاب چپ صورت پذیرفته است؛ تا جایی که عملاً موجب سلب اعتماد عمومی از نظام تأمین اجتماعی شده است (ر.ک: پناهی، چالش‌های فراروی نظام تأمین اجتماعی در آغاز سده بیست و یکم میلادی، ۱۳۸۳؛ حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۷۱؛ خورشیدی، چالش جهانی تأمین اجتماعی، ۱۳۹۷).

آنچه به نظر می‌رسد این است که با توجه به انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ارائه شده توسط قرآن، نظام قرآنی تأمین اجتماعی، دارای ماهیتی متفاوت با نظام سازمانی تأمین اجتماعی - که ریشه در انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی سکولار تمدن غرب دارد - باشد (ر.ک: حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۹۴: ۲۳۰-۲۳۱). بنابر نظر یکی از متخصصان:



«تأمین اجتماعی یک برنامه کلان اجتماعی است که از طرفی با مبانی اعتقادی و فلسفی نظام حاکم و از طرف دیگر با نظام‌های حقوقی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه ارتباط دارد و به همین جهت، الگوی تأمین اجتماعی در هر جامعه‌ای، لاجرم باید به‌گونه‌ای طراحی شود که با مبانی فکری و عناصر سایر نظامات آن، سازگاری کامل داشته باشد...» (همان: ۲).

این نگاه و رویکرد زمانی تقویت می‌شود که بدانیم، بسیاری از متخصصان حوزه تأمین اجتماعی، مفهوم و معنای وسیع و گسترده‌ای برای نظام تأمین اجتماعی قائل شده و هدف نهایی تأمین اجتماعی را فراهم کردن زمینه رشد فضائل اخلاقی و تکامل معنوی برای تمام جامعه دانسته‌اند (ر.ک: همان: ۱۷۷؛ نیز: آراسته‌خو، تأمین و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱: ۳). قرآن کریم سخن خدای انسان (نساء/۸۲؛ توبه/۶) و برای هدایت انسان (اعراف/۵۲ - ۲۰۳؛ یونس/۵۷؛ نحل/۶۴؛ نمل/۲؛ لقمان/۳؛ فصلت/۴۴) و در راستای تأمین کرامت، امنیت و آرامش و در نتیجه، سعادت انسان است (انعام: ۸۱-۸۲؛ اعراف/۹۹-۹۶؛ اسراء/۷۰؛ فاطر/۱۰)؛ بنابراین، رویکرد قرآن به انسان و اجتماع انسانی، مفهوم و تعریف قرآنی تأمین اجتماعی را مشخص خواهد کرد و نظام تأمین اجتماعی، در حقیقت تأمین‌کننده هدف برآمده از این مفهوم و تعریف خواهد بود. اگر جهان‌بینی و عقیده صحیح، اخلاق فردی و اجتماعی شایسته، معیشت در حد عفاف و کفاف و... تأمین‌کننده این هدف باشد، باید در بستر جامعه اسلامی تأمین شود؛ زیرا در منظومه معارف قرآن، ساحت‌های مختلف زندگی انسان، در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارد و هر ساحتی بر ساحت دیگر تأثیرگذار است. برای نمونه ساحت ایمان، بر ساحت امنیت به معنای عام آن تأثیری شگرف دارد:

«... فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/۸۱-۸۲)؛ «پس کدام یک از این دو دسته (بت پرستان و خداپرستان)، شایسته‌تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می‌دانید؟».

امنیت در این آیات، اعم از امنیت از مجازات پروردگار و امنیت از حوادث دردناک اجتماعی و حتی امنیت و آرامش روحی، مطرح شده است (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۲۱-۳۲۰/۵؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۳ ق: ۷/۲۰۲؛ صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۳۶۵: ۱۰/۱۱۷).

در آیاتی دیگر می‌خوانیم:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. أَفَأَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ. أَوْ أَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا



ضَعِيَ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ. أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» (اعراف/۹۶-۹۹)؛ «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. آیا اهل این آبادی‌ها، از این ایمن‌اند که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید، در حالی که در خواب باشند؟ آیا اهل این آبادی‌ها، از این ایمن‌اند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید، در حالی که سرگرم بازی هستند؟! آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند!»

در تفسیر این آیات نیز مفهومی وسیع، عمومی و دائمی برای ناامنی، بیان شده است؛ به این بیان که این یک سنت الهی است که افراد بی‌ایمان، افزون بر آخرت، گرفتار انواع واکنش‌ها در زندگی دنیوی خواهند شد (ر.ک: همان: ۶/۲۶۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ ق: ۸/۲۰۱-۲۰۲).

با توجه به آیات فوق، مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی، به مراتب گسترده‌تر از مفهوم برگرفته از تعریف سازمانی آن است و رشد و تعالی انسان، تنها در تأمین نیازهای این جهانی و محدود به خواسته‌های مادی نخواهد بود؛ زیرا مخاطب قرآن، انسانی است که علاوه بر جسم حیوانی (رحمان/۱۴؛ انسان/۲؛ طارق/۵-۷؛ علق/۲) دارای روحی الهی و بلندمرتبه و شریف است (ص/۷۱-۷۲). بنابراین، تأمین اجتماعی و نظام آن، آنگاه می‌تواند امنیت‌زا و آرام‌بخش باشد که تأمین‌کننده نیازهای جسم و روح انسان اجتماعی باشد. از این رو، در حد گنجایش این پژوهش، به رویکرد قرآن به انسان و اجتماع پرداخته می‌شود و بر اساس آن اهداف و بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی ارائه می‌گردد.

یک. رویکرد قرآن به انسان

در طول تاریخ اندیشه فلسفی، شناخت ابعاد گوناگون وجود انسان، معمایی بوده که تاکنون به حال خود باقی است. برای نمونه، تنها در چند سده اخیر، نظراتی درباره انسان مطرح شده، که بیان‌کننده ناتوانی انسان در شناخت مستقل خود است. از انسان فاقد طبع و فطرت و خودمحور «سارتر» تا انسان فاقد ماهیت فردی «دورکیم» و نیز انسان مارکسیسم و کمونیسم تا انسان غریزه محور «فروید» و نیز انسان «یونگ» «فروم» «هابز» و «روسو» (ر.ک: نصری، انسان از دیدگاه اسلام، ۱۳۷۷: ۳-۴) همه تأییدکننده این واقعیت است که انسان تا زمانی که بخواهد برای شناخت خود، تنها متکی به خود باشد و خدای آفریدگار خود را نبیند، در شناخت خود ناتوان است. ناتوانی در شناخت حقیقی انسان، باعث ناتوانی در شناخت نیازهای حقیقی او و به تبع آن، ناتوانی در اهداف و راهکارهای عملیاتی برای تأمین آن خواهد شد. قرآن کریم به عنوان سخن آفریدگار و پروردگار روح و جسم انسان، گذشته، حال، آینده،

ضعف‌ها، نگرانی‌ها، نیازها و نیز عوامل امنیت، آرامش و خوشبختی انسان را از یک‌سو و عوامل پریشانی، ناامنی و ناآرامی او را از سوی دیگر، بدون ذره‌ای ابهام و با بیانی محکم که جز از سرچشمه حقیقت گوی و وحی جاری نمی‌شود مطرح نموده است.

اول. شناخت قرآنی بعد جسمانی انسان

از بعد مادی و جسمی، قرآن، گذشته انسان را عدم و نابودی معرفی کرده و او را مخلوق و آفریده خداوند متعال می‌داند (مریم/۶۷). همچنین، به وجود غیرقابل ذکر انسان اشاره نموده (انسان/۱) و در نهایت به وجود تام و تمام انسان اشاره کرده است (مؤمنون/۱۲-۱۴). همچنین، دوران فرتوتی و ناتوانی مفرط او را گوشزد نموده است:

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَقَّأَكُم مِّنكُمْ مَنْ يَرُدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا...﴾
(نحل/۷۰)؛ «خداوند شما را آفرید سپس شما را می‌میراند بعضی از شما به نامطلوب‌ترین سنین بالای عمر می‌رسند تا بعد از علم و آگاهی، چیزی ندانند (و همه چیز را فراموش کنند) ...».

در آیه‌ای دیگر مراحل زندگی انسان، چنین ترسیم شده است:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً...﴾
(روم/۵۴)؛ «خدا همان کسی است که شما را آفرید؛ در حالی که ضعیف بودید، سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد ...».

هشدار این دو آیه شریفه، به‌تنهایی کافی است تا انسان و جامعه، در اندیشه مرحله ناتوانی جسمی و ذهنی جمعیت سالخورده باشند؛ امری که یکی از مهم‌ترین پایه‌های فلسفه وجودی تأمین اجتماعی است (ر.ک: اخوان بهبهانی، اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی، ۱۳۹۶: ۱۹-۲۰). ویژگی بارز این دوران «نادانی پس از دانایی» است؛ دورانی که قرآن کریم از آن به «ارذل العمر» و نامطلوب‌ترین سال‌های عمر یاد کرده است (حج/۵؛ نحل/۷۰). این عبارت، کنایه از اوج ناتوانی انسان در دوران کهنسالی است. در بیانی دیگر، به «تنکيس» و واژگونی رفتاری انسان اشاره شده است:

﴿وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ (یس/۶۸)؛ «هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می‌گردانیم)، آیا اندیشه نمی‌کنند.»

کنایه از بازگشت کامل انسان به حالات طفولیت، چه اینکه آدمی از آغاز خلقت ضعیف است و تدریجاً رو به رشد و تکامل می‌رود، دوران جوانی و بعد از آن پختگی فرامی‌رسد، و انسان در اوج قله تکامل جسمی و روحی قرار می‌گیرد، در اینجا گاه روح و جسم مسیر خود را از هم جدا می‌کنند، روح



همچنان به تکامل خویش ادامه می دهد، درحالی که عقب گرد جسم شروع می شود، ولی سرانجام عقل نیز سیر نزولی خود را شروع می کند، و تدریجاً و گاه به سرعت به مراحل کودکی بازمی گردد، حرکات، حرکات کودکانه و تفکر و حتی بهانه جوئی ها همچون کودکان می شود و ضعف جسمانی نیز با آن هماهنگ می گردد.» (مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۸/۴۳۶؛ ر.ک: قمی، التفسیر القمی، ۱۳۶۷: ۲/۲۱۷).

سرانجام مرگ انسان فرامی رسد؛ ولی قرآن کریم، مرگ را آغاز نوعی زندگی معرفی کرده که مبنای آن پاسخگویی انسان در مقابل افکار، اعمال و رفتار خود در زندگی دنیاست (بقره/۲۸۱؛ آل عمران/۱۸۵؛ غافر/۱۷؛ غاشیه/۲۵-۲۶).

دوم. شناخت قرآنی بعد روحانی انسان

در بعد روحانی و روان شناختی نیز، قرآن، به جنبه های گوناگون انسان پرداخته و موجب خودآگاهی اطمینان بخش انسان از خود و نیازهای خود می شود. انسان قرآن، انسانی دارای نفس و روح (سجده/۱۱)، اندیشه و نیروی شناخت (روم/۸)، دل و قلب (بقره/۷۴؛ رعد/۲۸) وجدان یا نفس لوامه (قیامت/۱-۲)، نفس امر کننده به بدی ها (یوسف/۵۳) و از همه مهم تر طبع و فطرت خدایی است (روم/۳۰). از سویی استعداد کمال بی نهایت و سیر الی الله دارد (انشقاق/۶؛ فجر/۲۷-۳۰) و از سوی دیگر در صورت احساس بی نیازی، طغیانگر می شود (علق/۶-۷). همچنین، شتابگر و عجول (اسراء/۱۱؛ انبیاء/۳۷)، بخیل (اسراء/۱۰۰)، ناسپاس (ابراهیم/۳۴؛ شوری/۴۸؛ عبس/۱۷-۱۸) و فخر فروش است (هود/۱۰).

شناخت قرآن، مدار انسان، باعث شناخت نیازهای او و حرکت به سوی تأمین آن و در نتیجه احساس کرامت، امنیت و آرامش حقیقی توسط انسان است؛ زیرا این شناخت برخاسته از علم و اراده آفریدگار انسان و در جهت هدایت به بهترین راه های سعادت انسان است:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ...﴾ (اسراء/۹)؛ «این قرآن، به راهی که استوارترین راه است، هدایت می کند.»

دو. رویکرد قرآن به اجتماع

انسان، به عنوان جزئی از جامعه و سازنده آن، دارای زندگانی اجتماعی است و آنچه قرآن کریم بیش از هر چیز بر آن اصرار دارد، سعادت انسان در بستر زندگی اجتماعی است (بقره/۸۳، ۲۱۳، ۲۵۱؛ آل عمران/۱۳۴، ۲۰۰؛ نساء/۱؛ مائده/۳۲؛ اعراف/۸۵؛ یونس/۱۹؛ هود/۸۵؛ حج/۴۰؛ شعراء/۱۸۳؛

لقمان/۱۸؛ حجرات/۱۳؛ حدید/۲۴؛ عصر/۱-۳). در رابطه با جامعه و اجتماع انسانی نیز، قرآن کریم، با تأکیدی شگرف و شگفت، به قواعد و سنن حاکم بر آن و نیز سرگذشت جوامع پیشین برای عبرت گیری و هدایت جوامع آینده، اشاره کرده است؛ تا جایی که بنیان آموزه‌های آن، به‌طور صریح بر جامعه نهاده شده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳ ق: ۴/ ۹۴). اساساً قرآن کریم، کتاب بازگویی سرگذشت اجتماعات و جوامع انسانی پیشین برای هدایت و سعادت جامعه زمان نزول و جوامع پس از آن است (همان: ۹۷). محیط اجتماعی، عامل بسیار مهمی در تکوین خصوصیات روحی و اخلاقی انسان است و غالباً نیروی خود را بر انسان تحمیل می‌کند:

«در اصل این مسئله که محیط اجتماعی در تکون شخصیت هریک از افراد انسانی تأثیر و نفوذ دارد و این تأثیر و نفوذ در مورد اکثریت عظیمی از انسان‌ها بسیار عمیق و همه‌جانبه است، جای انکار نیست. بدون شک، در بسیاری از اوقات، اراده فرد، تابع و محکوم اراده جامعه می‌گردد.» (مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ۱۳۹۸: ۵۱-۵۲).

هرچند سخن فوق به معنای تأیید «جبر اجتماعی» و محکومیت مطلق انسان و سلب اختیار او از پیمودن راه درست و مطابق فطرت خدایی نیست (ر.ک: همان: ۵۲)، ولی در هر صورت، نباید از نیروی فوق‌العاده جامعه در سعادت و شقاوت انسان غافل شد؛ از این رو، قرآن کریم، قوانین و سنن حاکم بر جامعه را با بیانی دقیق و عمیق مطرح کرده و انسان را نسبت به جامعه فاسد و منحرف و آثار و عواقب وخیم آن بر اغلب افراد جامعه و نیز جامعه صالح و آثاری که موجب سعادت دنیوی و اخروی و رفاه مادی و آرامش معنوی خواهد شد، آگاه نموده است. سنت برخورداری از برکات آسمانی و زمینی در پی ایمان و تقوا (اعراف/۹۶)، سنن املاء و امهال (آل عمران/۱۷۸؛ اعراف/۱۸۳؛ رعد/۳۲)، استدراج (بقره/۱۲۶؛ اعراف/۱۸۲)، زنده شدن به حیات طیبه و زندگی پاکیزه بر اثر ایمان و عمل صالح (نحل/۹۷)، معیشت تنگ و زندگی گرفته بر اثر روی گردانی از یاد خداوند (طه/۱۲۴)، هلاکت بر اثر ستم (یونس/۱۳) و دیگر سنت‌ها و قوانین برآمده از اراده خداوند نسبت به انسان و اجتماع انسانی (ر.ک: مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ۱۳۹۸: ۶۷-۵۰۳)، بدون شک نقش تعیین‌کننده‌ای در مفهوم و تعریف قرآنی از نظام تأمین اجتماعی دارد؛ چراکه در سنن الهی تبدیل و تغییری وجود ندارد و در صورت قرار گرفتن انسان و اجتماع در مدار آن، آثار مثبت و منفی آن قطعی است:

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ نَحْدِلَ إِلَّا لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ نَحْدِلَ إِلَّا لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر/۴۳)؛
«آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذاب‌های دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.»



با این بیان و با توجه به هدف ذکر شده، بدون شک آموزه‌های بنیادین قرآن کریم در هدایت جامعه، در تلقی درست از مفهوم قرآنی تأمین اجتماعی و به تبع آن ارائه بازتعریفی قرآنی از آن، نقشی اساسی خواهد داشت که در حد ظرفیت این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

سه. آموزه‌های بنیادین قرآن کریم

توحید، سرپرستی الهی و آخرت باوری، آموزه‌های بنیادین قرآن است که در تعریف نظام قرآنی تأمین اجتماعی ورودی جدی دارد؛ زیرا این سه اصل قرآنی، در راستای رشد و تعالی شخصیت انسان اجتماعی و تأمین کرامت، امنیت و آرامش او قرار دارد که هدف نهایی و غایی تأمین اجتماعی است.

اول. توحید

انسان مسلمان، تنها دغدغه معیشت ندارد، بلکه عزت و کرامتی که برخاسته از عقیده توحیدی اوست، از دغدغه‌های حیاتی زندگی اوست. بیان قرآن کریم درباره تمام شئون معنوی و مادی انسان، حاکی از آن است که در تنظیم کلیه سیاست‌ها و فعالیت‌ها، آنچه باید مبنا قرار گیرد، آموزه‌ها و تعالیم توحیدی این کتاب آسمانی و نورانی است. انسان اجتماعی، در منظومه جهان‌بینی توحیدی، بنده هیچ موجودی، جز خدایی که حقیقتاً شایسته پرستش است، نیست. از این رو، آزادی انسان از ذلت در برابر خدایان دروغین، تأمین شده است (یوسف/۴۰). آزادی از خدایان و سرپرستان دروغین، موجب آزادگی انسان اجتماعی و احساس عزت و کرامتی خواهد شد که خداوند برای او قرار داده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳ ق: ۱۳/۱۵۵). بدون شک این احساس عزت و کرامت توحید محور، از عناصر اصلی رشد و کمال معنوی انسان است؛ زیرا بندگی خدایان دروغین و خدایان شریک خدای حقیقی، با فطرت و روح آزاده انسان هیچ سنخی‌تی ندارد و نهایت این بندگی چیزی جز ذلت نخواهد بود (اعراف/۱۵۲).

دوم. سرپرستی الهی

در منظومه معارف قرآن کریم، جهان و به‌ویژه انسان و جامعه انسانی، بی‌سرپرست نیست. سرپرستی بر انسان و به تبع آن اجتماع انسانی، به معنای اسارت و تحقیر انسان نیست؛ بلکه این ولایت و سرپرستی، در راستای تأمین حیات طیبه و زندگی پاک (نحل/۹۷)، روح آزادی و آزادگی انسان (اعراف/۱۵۷)، تأمین عزت، سعادت و کرامت (فاطر/۱۰؛ منافقون/۸)، رهایی او از اوهام و خرافات (آل عمران/۷۹-۸۰؛ نساء/۱۷۱؛ مائده/۷۲-۷۳؛ اعراف/۱۳۸؛ توبه/۳۰-۳۱؛ مریم/۸۱ و ۸۸-۸۹؛



سبأ/۴؛ نجم/۲۱ و ۲۷) و درک و فهم حقیقت و واقعیت است (آل عمران/۶۰ - ۶۲؛ مائده/۸۴؛ انعام/۵۷؛ اعراف/۸؛ اسراء/۱۰۵). به حکم عقل و با توجه به جهان بینی توحیدی، حق سرپرستی و ولایت همه جانبه بر انسان، برای خدای متعال، ثابت است. در آیات متعدد و با بیانات متفاوت، خداوند، سرپرست حقیقی و ذاتی نوع بشر معرفی شده و ولایت جز او برای انسان، نفی گردیده است: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (بقره/۱۰۷)؛ آیا

نمی دانی که حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست و جز خدا، سرپرست و یاور برای شما نیست. ولایت و سرپرستی خداوند حکیم، به مفهوم مالکیت و صاحب اختیاری او نسبت به انسان است؛ به گونه ای که اراده تکوینی خداوند در مورد بشر ساری و جاری و اراده تشریحی او نیز لازم الاجراست؛ و از آنجاکه اوامر و نواهی خدای متعال، بر پایه رساندن انسان به صلاح خود و دوری و اجتناب از فساد است، در راستای تأمین سعادت و کرامت اجتماعی انسان است. بنابراین توحید و سرپرستی الهی از زیرساخت های نظام قرآنی تأمین اجتماعی است؛ زیرا در این نظام، در رابطه با انسانی تصمیم گیری خواهد شد که خدا و سرپرستی به نام الله دارد؛ از این رو تمام اندیشه ها، راهکارها و فعالیت ها در نظام قرآنی تأمین اجتماعی، باید در نظام توحیدی و سرپرستی الهی، قابل تعریف و دفاع باشد.

سوم. آخرت باوری

آخرت باوری نیز از دو جنبه در تعریف نظام قرآنی تأمین اجتماعی ورود جدی دارد؛ نخست اینکه انسان و جامعه خود را پاسخگوی عقیده و رفتار خود می داند و دیگر اینکه خود را تنها محدود به تأمین معیشت این جهانی نمی داند. قرآن کریم، بدون آنکه انسان را از بهره جویی دنیوی منع کند، اصالت را به سرای آخرت داده و از انسان می خواهد که همان گونه که خدا به او احسان کرده است، او نیز به همنوع خود احسان کند و در دنیا درصدد فساد و ظلم و بی عدالتی نسبت به دیگران نباشد:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص/۷۷)؛ و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش که خدا مفسدان را دوست ندارد.﴾

آخرت اندیشی، نه تنها از جنبه مادی و معیشتی در ساخت نظام قرآنی تأمین اجتماعی، نقشی اساسی دارد که از جنبه اخلاقی و معنوی نیز، تأمین کننده بسیاری از نیازهای اجتماعی انسان است:

﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآَنَفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ﴾



السَّيِّئَةُ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقُوبَةُ الدَّارِ ﴿ (رعد/۲۲)؛ و آنها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند و با حسنات، سینات را از میان می‌برند، پایان نیک سرای دیگر، از آن آن‌هاست.»

انگیزه بسیاری از افعال و رفتارهای اجتماعی انسان، برخورداری از امنیت و آرامش و نجات از ترس و عذاب سرای آخرت است (بقره/۲۶۲ - ۲۷۴ - ۲۷۷؛ رعد/۲۱؛ نور/۳۷؛ انسان/۷). این انگیزه، باعث التزام به نظام ثواب و عقاب اخروی (زلزله/۷-۸) خواهد شد که خود نیروی محرکه قوی در تحقق نظام قرآنی تأمین اجتماعی است. در روایات نیز، احادیث فراوانی وجود دارد که افزون بر آثار مثبت و منفی افعال و رفتار در زندگی اجتماعی انسان و تأمین و یا عدم تأمین اجتماعی نیازهای او، به ثواب و عقاب اخروی آن نیز اشاره شده است. از جمله: ثواب پناه دادن به یتیم، ترحم بر ضعیف، مهربانی با پدر و مادر، حفظ آبرو، خوشحال نمودن دیگران، رفع گرفتاری دیگران، اطعام و آب و غذا دادن به نیازمندان، قرض و صدقه دادن، کسب روزی حلال، صلۀ رحم، عیادت مریض، احترام و تکریم سالخورده‌گان، تجهیز مردگان و عقاب قطع رحم، خوردن مال یتیم، پرداخت نکردن زکات، تهمت زدن به مؤمن، خیانت، دزدی، غیبت، سخن‌چینی، تحقیر و توهین مؤمن، بی‌تفاوتی نسبت به رنج دیگران، ترک امر به معروف و نهی از منکر، اذیت و ترساندن دیگران و... (ر.ک: صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۴۰۶ ق). روشن است که عقیده به معاد و زندگی اخروی، باعث التزام و احساس تکلیف نسبت به موارد ذکر شده خواهد شد. مواردی که التزام عملی به آن، هم در ساخت و هم در اجرای نظام قرآنی تأمین اجتماعی نقشی غیرقابل انکار دارد.

۹. بازتعریف «قرآنی» نظام تأمین اجتماعی

با توجه به آنچه ذکر شد، نظام تأمین اجتماعی با رویکرد قرآنی قابل تعریف است. نظام قرآنی تأمین اجتماعی، منبعث از اراده تکوینی و تشریحی آفریدگار انسان نسبت به زندگی اجتماعی اوست. نگاهی حقیقت‌گرا که نه تنها نیازهای این جهانی از جمله نیاز معیشتی حال و دوران فرتوتی و ناتوانی او را تأمین می‌کند که آرامش، امنیت و سعادت آن جهانی او را نیز شامل می‌شود. حمایتی همه‌جانبه که اندیشه، عقیده، جسم و روح انسان را تغذیه می‌کند و انسان و اجتماع را در مقابل آن مسئول می‌داند. بر این اساس:

«نظام قرآنی تأمین اجتماعی کلیه اندیشه‌ها، سیاست‌ها، نقشه‌ها، ارتباطها و کوشش‌های منسجم و همسوی برگرفته از آموزه‌های قرآن کریم، در جهت فراهم شدن بسترهای اجتماعی لازم باهدف رشد و تعالی انسان و در جهت دست‌یابی او به کرامت، امنیت و آرامش هر دو جهانی است.»



۱۰. ویژگی بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی

بنا بر نظر برخی متخصصان، اگر مفهوم واقعی «اجتماعی» را بازنمایی کنیم، خواهیم دید که امور و پدیده‌های اجتماعی، همه جنبه‌های زندگانی اجتماعی را دربردارد؛ بنابراین ما با مفاهیم وسیع و گسترده تأمین اجتماعی مواجه می‌شویم (ر.ک: آراسته‌خو، تأمین و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱: ۳). در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد) نیز به تأمین اجتماعی، فراتر از اهداف اقتصادی و معیشتی توجه شده است:

«هرکس به‌عنوان یک عضو جامعه، حق تأمین اجتماعی دارد و مجاز است به‌وسیله کوشش‌های ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و رشد آزادانه شخصیت اوست، با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد» (همان: ۳-۴؛ نیز ر.ک: القضاة، فقه السياسة المالية فی الاسلام، ۲۰۰۷ م: ۱۲۳).

مهم‌ترین ویژگی بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی نیز گستره آن است. در این تعریف، کرامت، امنیت و آرامش انسان اجتماعی، بدون هیچ قید و تخصیصی لحاظ شده است؛ به این معنا که اگر صحبت از کرامت، امنیت و آرامش انسان است، هر آنچه تأمین‌کننده آن است، لزوماً باید در بستر اجتماع قرآن محور، فراهم گردد؛ از جمله: تأمین معیشت مادی (غذای پاک و حلال، پوشاک و مسکن مباح، بهداشت و درمان آسان، برخورداری از خانواده و نسل سالم و پاک و...) و تأمین معیشت معنوی (عقاید حقه، آزادی در انجام اعمال صالح، جامعه مؤمن و اخلاق مدار، آموزش و پرورش مؤمنانه و...). همچنین، این کرامت، امنیت و آرامش، تنها به زندگی دنیوی محدود نیست؛ بلکه زندگی اخروی را نیز که در ادامه زندگی دنیوی و متأثر از آن است، شامل می‌شود. با این بیان، هدف نهایی نظام قرآنی تأمین اجتماعی، تأمین بسترهای رشد اخلاق اجتماعی و تکامل معنوی همه افراد جامعه است و اجزا و عناصر آن باید متناسب با تحقق چنین هدفی طراحی شود (ر.ک: حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۹۴: ۱۷۷). تذکر این نکته ضروری است که عدم اجرای صحیح نظام قرآنی تأمین اجتماعی، نه تنها حقیقت این نظام را تغییر نخواهد داد، که نشان‌دهنده کوتاهی و سستی جامعه اسلامی در بهره‌گیری از هدایت‌های قرآن کریم و ظرفیت عظیم سعادت بخشی آن است.

۱۱. جایگاه مفهوم و تعریف سازمانی نظام تأمین اجتماعی در نظام قرآنی

تأمین اجتماعی به مفهوم سازمانی و شایع آن، نه تنها بی‌ارتباط با نظام قرآنی تأمین اجتماعی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین ساحت‌های آن است. تأمین با عزت و کرامت نیازهای معیشتی و درمانی و حمایت‌های مالی افراد جامعه در قالب تعاریف و اهداف سازمانی نهادهای تأمین اجتماعی، بدون شک



تأمین‌کننده بخش مهم و سرنوشت‌سازی از سعادت واقعی و هر دو جهانی انسان است؛ زیرا عدم تأمین مایحتاج اولیه و ضروری، آسیب جدی به جسم، روح، ایمان و اخلاق انسان وارد کرده و کرامت انسان را خدشه‌دار می‌نماید. در روایتی از امیرمومنان خطاب به فرزندش امام حسن (علیه السلام) چنین آمده است:

«لَا تَلْمِ اِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوْتَهُ فَمَنْ عَدِمَ قُوْتَهُ كَثُرَ خَطَايَا. يَا بُنَيَّ! الْفَقِيْرُ حَقِيْرٌ لَا يَسْمَعُ كَلَامُهُ وَ لَا يَعْرِفُ مَقَامُهُ وَ لَوْ كَانَ الْفَقِيْرُ صَادِقًا يَسْمُوْنُهُ كَاذِبًا وَ لَوْ كَانَ زَاهِدًا يَسْمُوْنُهُ جَاهِلًا. يَا بُنَيَّ! مَنْ اِبْتُلِيَ بِالْفَقْرِ فَقَدِ ابْتُلِيَ بِاَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالضَّعْفِ فِيْ يَقِيْنِهِ وَ النُّقْصَانِ فِيْ عَقْلِهِ وَ الرِّقَّةِ فِيْ دِيْنِهِ وَ قِلَّةِ الْحَيَاءِ فِيْ وَجْهِهِ فَتَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الْفَقْرِ»؛ «کسی که قوت (مایحتاج ضروری و حداقلی) خود را طلب می‌کند، ملامت مکن؛ زیرا کسی که قوت خود را نیابد، خطایش زیاد می‌شود. پسر! فقیر را حقیر می‌دانند؛ تا جایی که سخنش شنیده نمی‌شود و جایگاهش شناخته نمی‌شود. اگر فقیر راست بگوید، او را دروغ‌گو می‌نامند و اگر زهد پیشه کند، او را نادان می‌خوانند. پسر! کسی که مبتلا به فقر شود، به چهار ویژگی مبتلا می‌شود: ضعف در یقین، نقصان در عقل، سستی در دین و کمی حیا و آبرو. پس پناه می‌بریم به خدا از فقر.» (شعیری، جامع الاخبار، بی تا: ۱۱۰).

سازمان تأمین اجتماعی تعهدات حمایتی خود به بیمه‌شدگان را به دو نوع مختلف تقسیم کرده است:

اول. تعهدات کوتاه‌مدت شامل:

- ۱- حمایت‌های درمانی در موارد بیماری، بارداری، حوادث و...؛ ۲- پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری؛ ۳- پرداخت غرامت دستمزد ایام بارداری؛ ۴- پرداخت هزینه سفر و اقامت بیمار و همراه؛ ۵- مشارکت در تأمین هزینه پروتز و ارتوز (تأمین هزینه وسایل کمک پزشکی)؛ ۶- پرداخت غرامت نقص عضو مقطوع؛ ۷- پرداخت کمک‌هزینه ازدواج؛ ۸- پرداخت هزینه کفن و دفن به بازماندگان بیمه شده متوفی؛ ۹- پرداخت مقرری بیمه بیکاری.

دوم. تعهدات بلندمدت:

- ۱- پرداخت مستمری بازنشستگی؛ ۲- پرداخت مستمری ازکارافتادگی کلی؛ ۳- پرداخت مستمری ازکارافتادگی جزئی؛ ۴- پرداخت مستمری بازماندگان؛ ۵- پرداخت مزایای نقدی، غیر نقدی و عیدی مستمری‌بگیران (کمک‌عائله‌مندی، کمک‌هزینه اولاد، عیدی و...) (کارگروه تدوین راهبردی مطالب درسی آموزش و پرورش سازمان تأمین اجتماعی، تأمین اجتماعی برای همه، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۲).

این خدمات و حمایت‌ها، با رعایت جنبه‌های فقهی و حقوقی آن، بدون شک می‌تواند از مصادیق تعاون بر خیر و تقوا باشد که طبق نص قرآنی «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» (مانده/ ۲) یکی از مهم‌ترین عناصر تأمین مالی در نظام قرآنی، تأمین اجتماعی است.



۱۲. آثار مترتب بر بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی

پیش از بررسی آثار مترتب بر بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی، تذکر این نکته ضروری است که از آنجاکه این پژوهش، نخستین گام در پژوهشی با عنوان «نظام قرآنی تأمین اجتماعی» است که در آن خطوط کلی این نظام تبیین شده است، به هر یک از آثار ذکر شده نیز به صورت کلی و در راستای اصل ساخت نظام قرآنی تأمین اجتماعی پرداخته می‌شود.

یک. ایجاد اهداف و مبانی متفاوت و عمیق در حوزه تأمین اجتماعی

تعریف‌ها، هرچند اهداف را مشخص می‌کنند؛ اما خود نیز، نیم‌نگاهی به اهداف دارند. دستیابی انسان به زندگی باکرامت که در قرآن کریم از آن به حیات طیبه یاد شده است (نحل/۹۷) هدف غایی نظام قرآنی تأمین اجتماعی است و از خود این هدف، در تعریف این نظام بهره برده شده است. تعریف جدید و اهداف نو، منشأ ایجاد مبانی متفاوت است. هرچه تعریف، ناظر به مفاهیم بنیادین و عمیق‌تری باشد، به همان اندازه، مبانی عمیق‌تری حاصل خواهد شد. در نظام قرآنی تأمین اجتماعی، انسان اجتماعی رکن اصلی و دستیابی به حیات طیبه، هدف غایی است. در این صورت، مبانی این نظام در راستای استحکام این رکن و تحقق این هدف خواهد بود. با این نگاه، مبانی نظام قرآنی تأمین اجتماعی، بنیادی‌ترین معارف قرآنی و در حقیقت اصول عقاید مطرح شده در قرآن را شامل خواهد شد که البته پرداختن به آن، نیازمند پژوهشی دیگر است. به نظر می‌رسد جهان‌بینی توحیدی قرآن کریم و مراتب توحید، نظام سرپرستی و ولایت خداوند بر انسان، نظام اخلاقی و نیز احکام و حقوق الهی مطرح در قرآن کریم را بتوان از مبانی نظام قرآنی تأمین اجتماعی فرض نمود؛ زیرا هم اصل توحید و مراتب آن و به تبع آن سرپرستی و ولایت خدای یکتا بر انسان و نیز رعایت اخلاق، احکام و حقوق الهی، عزت، کرامت و سعادت واقعی و حیات طیبه انسان اجتماعی را بنا خواهد نمود. بنابراین، مبانی نظام قرآنی تأمین اجتماعی را می‌توان مبانی و اصول دین فرض نمود و در پژوهشی مستقل با عنوان «اهداف و مبانی نظام قرآنی تأمین اجتماعی» به آن پرداخت.

دو. گسترش حوزه‌های تأمین اجتماعی و ارتباط و انسجام آن

تعریف، اهداف و مبانی جدید، در ساحت نظری نظام قرآنی تأمین اجتماعی جای دارد که خود باعث گسترش تأمین اجتماعی در حوزه‌های عملی خواهد شد. برای نمونه، تأمین اجتماعی برخوردار از عقیده صحیح و انجام آثار مترتب بر آن در بستر اجتماع، از حوزه‌های تأمین اجتماعی خواهد بود؛ زیرا تأمین این نیاز، تشکیل‌دهنده بخشی مهم و سرنوشت‌ساز از زندگانی انسان اجتماعی است. این



حق انسان است که در اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، خدای واقعی خود را بشناسد، او را به حکم عقل و فطرت، آزادانه بپرستد و اوامر او را با آرامش خاطر اجرا نماید. در حوزه‌های دیگر همچون تعلیم و تربیت، اخلاق، خانواده، محیط‌زیست، احساس امنیت و دیگر حوزه‌های مرتبط با امنیت، آرامش، عزت و کرامت حقیقی انسان نیز، همین‌گونه خواهد بود. تذکر این نکته بسیار مهم است که حوزه معیشت و درمان و آرامش اقتصادی حداقلی، از جمله تأمین باعزت مسکن مناسب و زمینه‌های مالی برای برخورداری از خانواده و نسل سالم، از مهم‌ترین حوزه‌های نظام قرآنی تأمین اجتماعی است و تعریف و مفهوم سازمانی تأمین اجتماعی و اهداف والا و بلند آن، از اصلی‌ترین اهداف و عناصر این نظام است که با رعایت جنبه‌های فقهی و حقوقی آن، نقش بسیار مبارکی در کرامت و حیات طیبه انسان ایفا خواهد نمود؛ زیرا تأمین معیشت مادی همراه با ایمان و معنویت، حیات طیبه (نحل/ ۹۷) و زندگی پاک و باکرامت انسان را شکل می‌دهد:

«حیات طیبه یعنی همه چیزهایی که بشر برای بهزیستی خود، برای سعادت خود به آنها احتیاج دارد... رفاه، عدالت... علم، فناوری...؛ یعنی زندگی، در رویه مادی و نیازهای جسمانی و همچنین لایه‌های نیازهای معنوی پاسخگو باشد...؛ حیات طیبه اسلامی، زندگی است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند...؛ حیات طیبه اسلامی، شامل دنیا و آخرت - هر دو- است... یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش... برخوردار باشد و هم از جهت معنوی...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

با این نگاه، و برای نمونه، حق همسایگی با تمام ظرافت‌هایی که در آموزه‌های دینی برای آن ذکر شده، حقی اجتماعی است که باید در بستر اجتماع تأمین شود و در حقیقت تأمین اجتماعی حقوق همسایگی، یکی از حوزه‌های نظام قرآنی تأمین اجتماعی است. برای مثال در روایتی از پیامبر مکرّم اسلام ﷺ درباره حق اجتماعی همسایگی، چنین آمده است:

«آیا می‌دانید حق همسایه چیست؟ از حق همسایه، جز اندکی از شما نمی‌دانید. آگاه باشید که به خدا و روز آخرت ایمان نمی‌آورد کسی که همسایه‌اش از اذیت او در امان نباشد. پس (حق همسایه این است که) اگر از او قرض طلب کرد به او قرض دهد و اگر خیری به او رسید به او تهنیت بگوید و اگر شری به او رسید به او تسلیت بگوید و بنای خانه خود را چنان بلند نکند که همسایه‌اش را از جریان هوای آزاد محروم سازد مگر با اجازه او؛ و اگر میوه‌ای خرید، از آن به او هدیه دهد و اگر امکان هدیه نبود به‌گونه‌ای به منزل ببرد که همسایه نبیند مبدا که فرزندان همسایه حسرت بخورند. همسایه سه دسته است: آنکه سه حق دارد: حق اسلام و حق همسایگی و حق خویشی؛ آنکه دو حق دارد: حق اسلام و حق همسایگی؛ آنکه یک حق دارد: کافری که تنها حق همسایگی دارد» (فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیرة المتعظین، ۱۳۷۵: ۲/ ۳۸۸-۳۸۹).

سه. تلاش نهادهای تأمین اجتماعی برای گسترش اهداف و برنامه‌ها

بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی، می‌تواند در اهداف و برنامه‌های سایر نهادها نیز تأثیرگذار باشد؛ با این بیان که آموزه‌های قرآن کریم در رابطه با سعادت انسان و شناخت و معرفتی که از او ارائه داده است، افق‌های جدید و وسیعی از نیازهای او و چگونگی تأمین آن را آشکار می‌سازد. انسان‌شناسی قرآن کریم، انسان‌شناسی آفریننده انسان است (نحل/ ۴)؛ و روشن است که آفریدگار انسان نسبت به تمامی شئون او از هر موجودی داناتر است (ق/ ۱۶). شناخت سابقه و لاحق‌ه انسان و نیز ضعف‌ها و نگرانی‌های او (حج/ ۵؛ مؤمنون/ ۱۲-۱۶) و راه رسیدن به امنیت و آرامش حقیقی (انعام/ ۸۱؛ رعد/ ۲۸؛ نور/ ۵۵) در نسخه شفابخش قرآن کریم (یونس/ ۵۷؛ اسراء/ ۸۲؛ فصلت/ ۴۴) است؛ بنابراین سایر نهادهای تأمین اجتماعی، می‌توانند از دستاوردهای نظام قرآنی تأمین اجتماعی که بر پایه تعریف جدید شکل می‌گیرد، در راه گسترش اهداف و برنامه‌های خود، بهره‌برداری کنند.

چهار. مطالبه نهادهای تأمین اجتماعی از دیگر نهادها

ممکن است پرسش و در حقیقت نقدی نسبت به پژوهش حاضر مطرح گردد و آن اینکه، نهادهای تأمین اجتماعی، دارای اهداف، وظایف و تعهدات تعریف شده سازمانی و نیز برنامه‌ها و سیاست‌هایی برای دستیابی به آن هستند؛ در صورتی که با توجه به مفهوم و بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی، گستره و شمول آن، چنان وسیع خواهد شد که افزون بر اینکه اساساً از اهداف و وظایف سازمانی نهادهای تأمین اجتماعی خارج است، توانایی انجام آن نیز وجود ندارد. در پاسخ به این نقد باید گفت: بیان مفهوم و تعریف قرآنی تأمین اجتماعی، نه تنها به معنای تخطئه اهداف و وظایف سازمانی نهادهای تأمین اجتماعی نیست؛ که تأییدکننده و تقویت‌کننده آن نیز هست؛ وانگهی بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی، حقیقتی تلخ را نمایان می‌کند و آن مظلومیت اصطلاح ارجمند تأمین اجتماعی و اسارت آن در محدوده حوزه اقتصادی است. دیگر اینکه، نهادهای تأمین اجتماعی، به‌ویژه دو سازمان تأمین اجتماعی و بهزیستی، با توجه به بازتعریف ارائه شده، می‌توانند حق خود را از سایر نهادها و سازمان‌هایی که در ظاهر بی‌ارتباط با حوزه تأمین اجتماعی هستند، ولی در حقیقت اهداف و وظایف آنها در راستای تأمین عزت، کرامت و سعادت انسان است، مطالبه کنند و مدعی سهل‌انگاری چنین نهادهایی در رابطه با تأمین نشدن بسیاری از نیازهای انسان در بستر جامعه باشند. برای نمونه، این حق اجتماعی انسان است تا از محیط زیستی سالم برخوردار باشد؛ در این صورت، سهل‌انگاری سازمان محیط‌زیست در انجام وظایف خود، می‌تواند از طریق سازمان‌ها و نهادهای تأمین اجتماعی، قابل پیگیری و مطالبه باشد.



پنج. ایجاد هم‌افزایی و ارتباط نهادها و سازمان‌های گوناگون تأمین اجتماعی

از دیگر آثار مترتب بر بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی، هم‌افزایی و ارتباط بین نهادها و سازمان‌هایی است که به نحوی با تأمین اهداف این نظام در ارتباط‌اند. هر نهاد و سازمانی که عملکرد صحیح و مدیریت شده آن در راستای تأمین امنیت و آرامش انسان اجتماعی است، بخشی از سازمان قرآنی تأمین اجتماعی را شکل خواهد داد؛ از این رو، نهادهای گوناگون با ارتباطی دوستانه و با حفظ حریم‌ها و حرمت‌ها و با نیت همکاری و همیاری در راستای تقویت نظام کلی تأمین اجتماعی، در تقویت وظایف سازمانی و ذاتی خود تلاشی مضاعف خواهند داشت.

۱۳. نقش متمم دولت در اجرای نظام قرآنی تأمین اجتماعی

بر اساس معارف قرآن کریم، همه افراد جامعه نسبت به یکدیگر و در ساحت‌های گوناگون اجتماعی، مسئول هستند:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه/۷۱)؛ مردان و زنان باایمان، ولی (ویار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند، به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد، خداوند توانا و حکیم است.﴾

آغاز شرح وظایف اجتماعی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر که اساس و پایه مسئولیت عمومی افراد جامعه در تأمین نیازهای عقیدتی، اخلاقی و معیشتی است، خود گویای اهمیت این مطلب است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳ ق: ۳۳۸/۹). در روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز این مسئولیت همگانی چنین بیان شده است:

«أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ «آگاه باشید که همه شما نسبت به یکدیگر مسئول هستید. حاکم مسئول مردم، مرد مسئول خانواده خود، زن مسئول خانواده شوهرش و فرزندانش و بنده مسئول حفظ اموال آقای خود است. پس همگی مسئول نسبت به یکدیگر هستید» (ورام، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، ۱۴۱۰ ق: ۶/۱).

با توجه به گستردگی حوزه‌ها و ساحت‌ها در نظام قرآنی تأمین اجتماعی و این که ساحت‌هایی از آن بدون دخالت حکومت و پشتوانه اجرایی دولتی قابل تحقق نیست، متکفل اجرای کامل نظام قرآنی تأمین اجتماعی، دولت به مفهوم نهاد حاکمیت و به‌عنوان نیرومندترین نهاد اجتماعی است که اجرای این نظام، حاکم بر همه شئون آن است؛ زیرا دولت داعیه خدمت دارد و اساساً فلسفه وجودی آن، اجرای موفق نظام تأمین اجتماعی است (ر.ک: صدر، اقتصادنا، ۱۴۰۲ ق/ ۶۹۵-۷۲۸؛ واعظی، حکومت اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۲۴ و ۲۲۸؛ فراهانی فرد، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، ۱۳۸۶: ۸۳-۱۲۶؛ حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ۱۳۹۴: ۲۵۳). قرآن کریم به آنچه مؤمنان صاحب قدرت و دولت بر روی زمین انجام می‌دهند، اشاره کرده است:

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج/۴۱) کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.»

این آیه شریفه، بیان‌کننده خطوط کلی وظایف مؤمنان، از فردی تنها که قدرت و امکان انجام آن را دارد تا دولت اسلامی به‌عنوان قدرتمندترین نهاد اجرایی اجتماعی است؛ هرچند بنا بر روایات، کامل‌ترین مصداق آن، دولت کریمه مهدی موعود^ع است (ر.ک: قمی، التفسیر القمی، ۱۳۶۷: ۱/۲۸۷). بنابراین می‌توان ادعا کرد که دولت اسلامی به مفهوم قدرت حاکمه، دولت نظام قرآنی تأمین اجتماعی است.

نتیجه

- ۱- محدود شدن نظام تأمین اجتماعی در راستای دستیابی به اهداف بیمه‌ای، ناشی از مفهوم و تعریف سازمانی آن و نگاه به بخشی از حوزه مالی و اقتصادی زندگی انسان اجتماعی است.
- ۲- هیچ ضرورتی وجود ندارد که در جامعه اسلامی با محوریت رهبری قرآن کریم، به تأمین اجتماعی بر اساس مفهوم و تعریف سازمانی آن نگریسته شود.
- ۳- در بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی، هر آنچه با کرامت، امنیت و آرامش هر دو جهانی انسان در ارتباط است، حوزه‌ای از حوزه‌های تأمین اجتماعی است.
- ۴- نظام قرآنی تأمین اجتماعی کلیه اندیشه‌ها، سیاست‌ها، نقشه‌ها، ارتباط‌ها و کوشش‌های منسجم و همسوی برگرفته از آموزه‌های قرآن کریم، در جهت فراهم شدن بسترهای اجتماعی لازم باهدف رشد و تعالی انسان و در جهت دستیابی او به کرامت، امنیت و آرامش هر دو جهانی است.



۵- مهم‌ترین آثار مترتب بر بازتعریف قرآنی نظام تأمین اجتماعی، عبارت است از: ۱. ایجاد اهداف و مبانی متفاوت و عمیق در حوزه تأمین اجتماعی؛ ۲. تلاش نهادهای تأمین اجتماعی برای گسترش اهداف و برنامه‌ها؛ ۳. مطالبه نهادهای تأمین اجتماعی از دیگر نهادها؛ ۴. ایجاد هم‌افزایی و ارتباط بین نهادهای تأمین اجتماعی.

۶- دولت، به مفهوم حاکمیت و به‌عنوان قدرتمندترین نهاد اجتماعی، مسئول اجرای نظام قرآنی تأمین اجتماعی به‌عنوان متمم مسئولیت همگانی تک‌تک افراد جامعه است و می‌توان ادعا نمود که دولت اسلامی، دولت تأمین اجتماعی به مفهوم قرآنی آن است.

پی‌نوشت‌ها

[1] International Labour Organization.

[2] International Social security Association.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمدبن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، دارالشریف الرضی، قم: ۱۴۰۶ ق.
۳. ابن فارس، احمدبن زکریا، معجم مقاییس اللغة، مکتبه البابی الحلبی، قاهره: چاپ دوم، ۱۹۶۹ م.
۴. ابوزهره، محمد، التكافل الاجتماعي فی الاسلام، دارالفکر العربی، قاهره: ۱۹۹۱ م.
۵. اجتهادی، ابوالقاسم، بررسی وضع مالی و مالیة مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی، سروش، تهران: ۱۳۶۳.
۶. اخوان بهبهانی، علی، با همکاری ایروان مسعودی اصل، اصول و مبانی بیمه‌های اجتماعی، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران: ۱۳۹۶.
۷. آراسته‌خو، محمد، تأمین و رفاه اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران: چاپ هفتم، ۱۳۹۱.
۸. بابایی مجرد، حسین؛ عبدالحسین زاده، محمد، «نظام‌سازی قرآن بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی»، دوفصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۹. پناهی، بهرام، اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی، انتشارات سوره، تهران: ۱۳۷۶.
۱۰. —، چالش‌های فراروی نظام تأمین اجتماعی در آغاز سده بیست و یکم میلادی، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال ششم، شماره ۱۶، ۱۳۸۳.
۱۱. پورسیدآقایی، سیدمسعود، دین و نظام‌سازی، لیلۃ القدر، قم: ۱۳۸۹.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قرآن در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم: چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۱۳. حامدمقدم، احمد، پژوهشی در نظام حمایتی اسلام، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی (عج)، مشهد: ۱۳۶۸.
۱۴. حسن ایوب، السلوک الاجتماعي فی الاسلام، دارالسلام، قاهره: چاپ دوم: ۲۰۰۶ م.
۱۵. حسینی خامنه‌ای، سید علی، khamenei.ir (۱۳۹۸)، زبان فارسی.



۱۶. حسینی، سیدرضا، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۰.
۱۷. خورشیدی، منا، ۱۰ چالش جهانی تأمین اجتماعی، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران: ۱۳۹۷.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۳.
۱۹. سالاری فر، محمدرضا و دیگران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۲۰. شاکرین، فاطمه، هستی‌شناسی جامعه، موسسه امام خمینی ره، قم: ۱۳۹۰.
۲۱. شاملو، سعید، بهداشت روانی، انتشارات رشد، تهران: چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸.
۲۲. شعیری، محمدبن محمد، جامع الاخبار، مطبعه حیدریه، نجف: بی‌تا.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم: ۱۳۶۵.
۲۴. صدر، محمدباقر، اقتصادنا، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت: چاپ شانزدهم، ۱۴۰۲ ق.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: چاپ سوم، ۱۳۹۳ ق.
۲۶. عاقلی، فضیله، التكافل الاجتماعی فی الاسلام و ابرز صورہ، مرکز جیل البحث العلمی، الجزائر- طرابلس: ۲۰۱۵.
۲۷. فتال نیشابوری، محمدبن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، انتشارات رضی، قم: ۱۳۷۵.
۲۸. فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، اسوه، قم: ۱۴۱۴ ق.
۳۰. قابل، احمد، اسلام و تأمین اجتماعی، مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران: ۱۳۸۳.
۳۱. القضاة، معن خالد، فقه السياسة المالية فی الاسلام، عالم الکتب الحدیث، اردن: ۲۰۰۷ م.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر القمی، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۷.
۳۳. کارگروه تدوین راهبردی مطالب درسی آموزش و پرورش سازمان تأمین اجتماعی، تأمین اجتماعی برای همه، موسسه فرهنگی و هنری آهنگ آتیه، تهران: ۱۳۹۴.



۳۴. کاویانی، محمد، روان‌شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: چاپ دهم، ۱۳۹۶.
۳۵. کی هیچنز، درک، اندیشه کابرد سیستمی، ترجمه: رشید اصلانی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران: ۱۳۷۶.
۳۶. محمودی، مالک؛ بهادری، ابراهیم، بهزیستی و تأمین اجتماعی در اسلام، اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور، تهران: ۱۳۸۹.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، موسسه امام خمینی (ره)، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۸.
۳۸. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا، تهران: چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۳۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ ششم: امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۳.
۴۰. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴.
۴۱. موسوی، میرطاهر؛ علی محمد محمدی، مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، نشر دانژه، تهران: ۱۳۸۸.
۴۲. میرزایی، رحمت، مبانی مددکاری اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران: ۱۳۹۴.
۴۳. نصری، عبدالله، انسان از دیدگاه اسلام، دانشگاه پیام نور، تهران: چاپ هشتم، ۱۳۷۷.
۴۴. واعظی، احمد، حکومت اسلامی، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم: چاپ پنجم: ۱۳۸۶.
۴۵. وثوقی، منصور، مبانی جامعه‌شناسی، پیام نور، تهران: چاپ هفتم ۱۳۷۶.
۴۶. ورام، مسعودبن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، مكتبة فقیه، قم: ۱۴۱۰ ق.



References

1. The Holy Quran, translated by Rezaei Isfahani, Muhammad Ali et al., Dar Al-Dhikr Cultural Research Institute, Qom: 2004.
2. Ibn Babawiyah (Saduq), Muhammad ibn Ali, The Reward and Punishment of Deeds, Dar al-Sharif al-Radi, Qom: 1406 AH.
3. Ibn Faris, Ahmad Ibn Zakaria, Mujam Maqais al-Lughah, Al-Babi Al-Halabi Publications, Cairo: Second Edition, 1969.
4. Abu Zohra, Muhammad, Social Interdependence in Islam, Dar al-Fikr al-Arabi, Cairo: 1991.
5. Ijtihadi, Abolghasem, A Study of the Financial Situation and Taxation of Muslims from the Beginning to the End of the Umayyad Era, Soroush, Tehran: 1984.
6. Akhavan Behbahani, Ali, In Collaboration with Irevan Masoudi Asl, Principles and Foundations of Social Insurance, Higher Institute of Social Security, Tehran: 2017.
7. Arastekho, Muhammad, Social Security and Welfare, Payame Noor University, Tehran: Seventh Edition, 2012.
8. Babaei Mojarrad, Hossein; Abdul Husseinzadeh, Muhammad, What, Why and How of Qur'an-based Systematization;”, Bi-Quarterly Journal of Interdisciplinary Research in the Holy Quran, Year 9, Issue 1, Spring and Summer 2016.
9. Panahi, Bahram, Principles and Foundations of the Social Security System, Surah Publications, Tehran: 1997.
10. ——— Challenges Facing the Social Security System at the Beginning of the Twenty-first Century, Social Security Quarterly, Year 6, Issue 16, 2004.
11. Poursaid Aghaei, Seyed Masoud, Religion and Systemization, Laylat al-Qadr, Qom: 2010.
12. Javadi Amoli, Abdullah, Thematic Interpretation of the Holy Quran, Quran in Quran, Esra Publishing Center, Qom: Third Edition, 2002.
13. Hamed Moqaddam, Ahmad, Research in the Islamic Support System, Astan Quds Razavi (AS) Research Foundation, Mashhad: 1989.
14. Hassan Ayub, Social Behavior in Islam, Dar al-Salam, Cairo: Second Edition: 2006.
15. Hosseini Khamenei, Seyyed Ali, Khamenei.ir (1398=2019/2020), Persian language.
16. Hosseini, Seyyed Reza, Models of Social Security from the Perspective of Islam and the West, Seminary and University Research Institute, Qom: 2011.
17. Khorshidi, Mena, 10 Global Challenges of Social Security, Higher Institute of Social Security Research, Tehran: 2018/2019.
18. Dehkoda, Ali Akbar, Dictionary, University of Tehran, Tehran: 1995/1996.
19. Salarifar, Muhammad Reza et al., Mental Health with An Attitude Towards Islamic Resources, Seminary and University Research Institute, Qom: Third Edition, 2014.
20. Shakerin, Fatemeh, Ontology of Society, Imam Khomeini Institute, Qom: 1390
21. Shamloo, Saeed, Mental Health, Roshd Publications, Tehran: 13th Edition, 1999.
22. Shairi, Muhammad ibn Muhammad, Jame 'al-Akhbar, Heydariyeh Press, Najaf: S.D.
23. Sadeghi Tehrani, Muhammad, Al-Furqan; An Exegesis of Quran by Quran, Farhang-e-Islami Publications, Qom: 1986.

24. Sadr, Muhammad Baqir, Our Economics, Dar al-Ta'rif for Press, Beirut: 16th Edition, 1402 AH.
25. Tabatabai, Muhammad Hussein, Al-Mizan; An Exegesis of Quran, Al-A'lami Institute for Publications, Beirut: Third Edition, 2014.
26. Aqili, Fadhila, Social Interdependence in Islam and Most Significant Form, Jil Scientific Research Center , Algeria - Tripoli: 2015.
27. Fatal Neyshaburi, Muhammad Ibn Ahmad, Rawdhat al-Wa'izin and Basirat al-Mu'tazin, Razi Publications, Qom: 1996.
28. Farahanifard, Saeed, Economic Policies in Islam, Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran: Third Edition, 2007.
29. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, Arrangement of the book Al-Ain, Uswa, Qom: 1414 AH.
30. Qabil, Ahmad, Islam and Social Security, Principles and Strategies for Support and Insurance in the Qur'an, Traditions, Ethics and Islamic Jurisprudence, Higher Institute for Social Security Research, Tehran: 2004.
31. Al-Qadha, Muin Khalid, Jurisprudence of Political Policy in Islam, World of Hadithic Books, Jordan: 2007.
32. Qomi, Ali Ibn Ibrahim, Tafsir Al-Qomi, Dar al-Kitab, Qom, 1988.
33. Working Group on Strategic Development of Curriculum for Education of the Social Security Organization, Social Security for All, Ahang Atieh Cultural and Artistic Institute, Tehran: 2015.
34. Kaviani, Muhammad, Psychology in the Qur'an; Concepts and Teachings, Seminary and University Research Institute, Qom: Tenth Edition, 2017.
35. K. Hitchens, Derek, System Application Thought, Translated by Rashid Aslani, Public Management Training Center, Tehran: 1997.
36. Mahmoudi, Malik; Bahadori, Ebrahim, Rehabilitation and Social Security in Islam, General Department of Public Relations of the Rehabilitation Organization, Tehran: 2010.
37. Misbah Yazdi, Muhammad Taqi, Society and History from the Perspective of the Quran, Imam Khomeini [RIP] Institute, Qom: Second Edition, 2019.
38. Mutahhari, Murtaza, A Theory of the Islamic Economic System, Sadra Publications, Tehran: Fifth Edition, 1995.
39. Moin, Muhammad, Farhang-e Farsi, Sixth Edition: Amirkabir, Tehran: 1984.
40. Makarem Shirazi et al., Tafsir Namoneh, Islamic Books Publications, Tehran: 1995.
41. Mousavi, Mirtaher; Ali Muhammad Muhammadi, Concepts and Theories of Social Welfare, Danjeh Publishing, Tehran: 2009.
42. Mirzaei, Rahmat, Fundamentals of Social Work, Payame Noor University, Tehran: 2015.
43. Nasri, Abdullah, Human from the Perspective of Islam, Payame Noor University, Tehran: Eighth Edition, 1998.
44. Vaezi, Ahmad, Islamic Government, Qom Seminary Management Center Publications, Qom: Fifth Edition: 2007.
45. Vosoughi, Mansour, Fundamentals of Sociology, Payame Noor, Tehran: Seventh Edition, 1997.
46. Varam, Mas'ud ibn Isa, Tanbih al-Khawatir wa Nuzhat al-Nawazir, Maktab al-Faqih, Qom: 1410 AH.